



نیت حرف می‌زد که محوش می‌شدی. و ما برای این جام این معدن دانش و عشق به فوتبال را نداریم. دکتر صدر عاشقانه این فوتبال را دوست داشت و در ۳ سال پایانی عمرش رنج کشید. نمی‌دانم چرا این جام دیگر برای من جذاب نیست. موضوع ما حالا نبود آقای صدر است؛ اما به جز او خیلی چیزهای دیگر نیز نیست و در نبود آنها این جام جهانی برای من طعمی ندارد. برای مردی که ۷۰ سال با فوتبال زندگی کرد و حالا کاملاً از فوتبال دور مانده. دوست داشتم در این جام جهانی حضور داشتم چون این جام دهمین جامی می‌شد که من با مردم در مورد فوتبال صحبت می‌کردم اما ظاهراً امکانش نیست.

آقای صدر جسم‌شان در نزدیکی ما به خواب ابدی رفته؛ اما روح عزیزش قطعاً در بین ما هست. در مراسم سالگردش که می‌خواستیم صحبت کنم، گفتم اجازه بدهید من با خود او صحبت کنم. گفتم: «آقای صدر مگر به من نگفتی تا فوتبال هست می‌توان ادامه داد؟ چرا ادامه ندادی؟ واقعاً چرا ادامه ندادی؟» حالا گویی حرف‌های در دل ما ایجاد شده که نمی‌شود حتی با جام جهانی آن را پر کرد. هیچ وقت چنین احساس تلخی به فوتبال نداشتیم. آن هم در واپسین سال‌های زندگی‌ام که تمام آن وابسته به فوتبال بوده و هست. هر طرف را می‌بینم فوتبال همه زندگی من را پر کرده است. فقدان آقای صدر بسیار تلخ بود و کام ما را سرشار از تلخی کرد. جای او بسیار خالی است. خوشحالم که مجله جام جهانی را با نام و یاد او آغاز می‌کنید. مردی که به گردن فوتبال ایران حق مسلم دارد.

آقای صدر بدون مسابقه از این جام جهانی حذف شد. همه تیم‌ها یا نرسیده به جام جهانی یا در جام جهانی با مسابقه، حذف شدند و می‌شوند؛ اما آقای صدر بدون مسابقه حذف شد. حریف او هیولایی شکست‌ناپذیر بود که علم دانشمندان حریفش نشد. او مظلومانه رفت. خیلی در قرعه‌کشی بد آورد. تقدیر بدترین حریف را برای او انتخاب کرد و حالا من که در خیلی از مسائل با دکتر اشتراک نظر داشتم و دارم، امیدوارم در آستانه جام جهانی در کشورمان، بزرگداشتی در مورد این مرد گرفته شود.

آقای صدر روح بزرگ شما در جامعه فوتبال ما حاکم است. حتماً خبرداری عادل به خانه رفت، من به خانه رفتم ولی شما از خانه رفتید.... چقدر روزهای خوب ما به سرعت گذشت. در پایان، احترام عمیقم را به‌عنوان یک دوست نسبت به آقای دکتر ابراز می‌کنم. من متعلق به خانواده فوتبال هستم؛ اما از حوزه فوتبال خارج می‌شوم و دکتر را دوست صمیمی خودم می‌دانم که قطعاً از نظر او هم همین گونه بود. دوست خوب من؛ درخ که در این جام جهانی حضور نداری.

جدی نگرفتم و زمانی که او ایران را ترک کرد نمی‌دانستم او درگیر این بیماری سخت است. جامعه ما حتماً باید کتاب از قیصریه تا اورنج کانتی را بخواند تا از رنج و درد جسمی و روحی این عزیز با خبر شود. ۳ سال رنج، ۳ سال در راه آزمایشگاه‌ها و مطب پزشکان و تحمل درمان‌های طاقت فرسا. دکتر صدر زندگی را خیلی دوست داشت و ما نمی‌دانستیم این بیماری مهلک در کمینش نشست. با آنکه می‌گفت این بیماری در خانواده او موروثی است؛ اما نمی‌خواست بپذیرد درگیر بیماری است و به دلیل عشقی که به زندگی داشت بیشتر به روی روشن زندگی توجه می‌کرد.

اکنون برای نوشتن همین چند خط دچار بغضی هستم که چند بار شکسته شده. حالا به جمله دکتر فکر می‌کنم که معنایش را بیشتر درک می‌کنم. حرفی که به من زد را یک بار در تلویزیون گفتم که «من جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را نمی‌بینم» و ما سعی می‌کردیم با سخنان کلیشه‌ای که این مواقع بر زبان می‌آید به او بگوییم «اصلاً این طور نیست». جام ۲۲ تا چند روز دیگر آغاز می‌شود و واقعاً دیگر صدر را نداریم. مردی اندیشمند که می‌توانست با دانش بی‌بدیل و عشق فراوانش زیبایی جام جهانی را برای ما چند برابر کند. او به گونه‌ای درباره فوتبال حرف می‌زد که انگار درباره یک زن زیبا می‌گوید. باورش سخت بود اما معشوق او واقعاً فوتبال بود. آنقدر با عشق، با تمنا و با خلوص



جام ۲۲ را نمی‌بینم

اکنون برای نوشتن همین چند خط دچار بغضی هستم که چندبار شکسته شده. حالا به جمله دکتر فکر می‌کنم که معنایش را بیشتر درک می‌کنم. حرفی که به من زد را یک بار در تلویزیون گفتم که «من جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را نمی‌بینم» و ما سعی می‌کردیم با سخنان کلیشه‌ای که این مواقع بر زبان می‌آید به او بگوییم «اصلاً این طور نیست». جام ۲۲ تا چند روز دیگر آغاز می‌شود و واقعاً دیگر صدر را نداریم. مردی اندیشمند که می‌توانست با دانش بی‌بدیل و عشق فراوانش زیبایی جام جهانی را برای ما چند برابر کند. او به گونه‌ای درباره فوتبال حرف می‌زد که انگار درباره یک زن زیبا می‌گوید. باورش سخت بود اما معشوق او واقعاً فوتبال بود.

آرزوتین فقط می‌خواستند فوتبال حرف بزند و همه را به سکوت وادار کردند. آقای صدر نکات بسیار ظریف و زیادی در کتابش دارد از جمله زمانی که به فوتبال اسپانیا می‌پردازد و به دوران ژنرال فرانکو. در صفحات بعد به شاعر ملی اسپانیا که به خاطر چند قطعه شعر به گلوله سپرده شد. جشنواره تلخی از وقایع که در گوشه و کنار دنیا رخ داد و فوتبال در آن نقش بازی کرد. باید بگویم در چند سال اخیر آقای صدر به همراه آقای فردوسی‌پور به دنبال نشر کتاب‌های جامعه‌شناسی و کتاب‌های عمیق فوتبالی بودند که ما به‌عنوان بخشی از جامعه فوتبال بهترین بهره را از کتاب‌های این عزیزان بردیم. اما رفته رفته به بخش‌های تلخ زندگی این عزیز از دست رفته می‌روم. او کتاب‌های زیاد فوتبالی و غیر فوتبالی داشت و امیدوارم دختر عزیزش که بسیار به آقای صدر نزدیک بود، آثار نیمه‌کاره پدر را که به خاطر بیماری ناتمام ماند، کامل کند. من این توانمندی را در این خانم جوان می‌بینم و امیدوارم روزی فرصت کند و کارهای نیمه‌تمام دکتر صدر را به ثمر برساند. همان طور که کتاب پر از غم «از قیصریه تا اورنج کانتی» را کامل کرد و ۲۵ صفحه آخر را که به دلیل ضعف روزهای پایانی آقای صدر نیمه‌کاره مانده بود به بهترین شکل تمام کرد. اگر اشاره نمی‌شد که این ۲۵ صفحه به دلیل ناتوانی دکتر صدر توسط دختر ایشان نوشته شده کمتر کسی متوجه تفاوت قلم می‌شد. یکی از روزهایی که با هم سر یک کار مشترک بودیم، آقای صدر به من گفت «من زیاد عمر نمی‌کنم» و من با تعجب نگاهش کردم و گفتم آقای دکتر این چه حرفی است که می‌زنید. این صحبت در همان زمان رها شد و من هم آن را

متفاوت ساخته بود که بیننده را پای تلویزیون می‌نشانند. وقتی او میهمان برنامه بود هیچ کس نه کانال عوض می‌کرد و نه صدا را پایین می‌آورد. میراث آقای صدر سخنرانی‌های متعدد ایشان است نه فقط در تلویزیون. من در بسیاری از جلسات همراه ایشان بودم و مشترکات زیادی با هم داشتیم. در مراسم رونمایی از کتاب و نمایشگاه‌ها و جلسات دانشگاهی و فوتبالی از جمله کتاب و فوتبال، جامعه و فوتبال، فرهنگ و فوتبال، تأثیرات فوتبال در زندگی روزمره ما و...

نام کتاب فوتبالی دکتر (روزی روزگاری) ملهم از فیلم روزی روزگاری سینما بود تا نشان دهد این دو مقوله را چقدر در کنار هم و به یک اندازه دوست دارد. کتاب روزی روزگاری فوتبال که به چاپ‌های زیادی رسید اولین کتابی بود که در ایران در مورد جامعه‌شناسی در فوتبال صحبت می‌کرد و به سرعت نایاب شد و من از طریق هفته‌نامه تماشاگران، کتاب را پیدا کردم. در پایان کتاب نزدیک به ۲۰ صفحه منبع ذکر شده بود تا نشان دهد نوشته این مرد چقدر مستند است. اگر به چاپ‌های متعدد رسید به این دلیل بود که همه متوجه شدند چقدر جای این کتاب در فرهنگ فوتبالی ما خالی بود.

با قلم آقای صدر، فوتبال ایران را درنوردیدیم، به امریکای جنوبی رفتیم، اروپا را گشتیم و به همه دنیا سفر کردیم و تأثیرات فوتبال را در جوامع مختلف فهمیدیم و متوجه شدیم فوتبال قادر به انجام چه کارهای بزرگی است. کارهایی که دیپلمات‌های برجسته جهان از انجامش ناتوان هستند. وقتی که فوتبال دهان دیکتاتوری ژنرال ویولا آرزوتینی را در جام جهانی ۱۹۷۸ می‌بندد یعنی قدرتمند است. آن زمان مردم